



۲۰۱۹/۰۵/۱۶

عبدالقیوم میرزاده

## گفتار دیگر در باره مذاکرات دوحه



یک دور دیگری از مذاکرات میان زلمی خلیزاد و نمایندگان ISI که برایشان نام طالب یا طالبان را گذاشته اند در دوحه مرکز قطر به پایان رسید. هر دو طرف همان جملات تکراری دور های قبلی را تکرار کردند.

خلیل زاد از طریق تویتر و ISI از طریق ذبیح الله مجاهد سخن گفتند. این درامه اغوا گرانه بیشتر مقاصد تبلیغاتی را دنبال میکند تا (مذاکرات صلح) را زیرا در طول و عرض این مذاکرات البته بعد از نیمه دوم سال ۲۰۱۸ زمانیکه مقامات امریکایی مذاکرات شانرا با طالبان علنی ساختند آنچه مشهود است و پیامی را که در جریان مذاکرات قبل و بعد از آن به مردم افغانستان و جهانیان میرسانند عبارت است از بزرگ نمایی طالبان در انظار جهانیان، تحت تأثیر قرار دادن و پائین آوردن مورال رزمی و دفاعی قوت های مسلح افغانستان و ایجاد بی نظمی و توسعه ابعاد بی ثباتی در افغانستان می باشد.

تا حالا امریکا به مردم ما و جهانیان حمله و لشکر کشی اش را در افغانستان مبارزه با تروریسم طالبانی و گروه های القاعده بیان میداشت و مردم چنین می پنداشتند که حکومت مستقر در افغانستان دوست و متحد ستراتیژیک امریکا در منطقه میباشد. اما با پیروزی دکتور اشرف غنی در انتخابات سال ۲۰۱۴ صفحه برگشت از همان ابتدا با مداخلات مکرر سفارت ایالات متحده امریکا و در اداره استخبارات نظامی پاکستان در بحبویه انتخابات و جریان شمارش آرای انتخابات و ملاقات های مکرر پنهانی و علنی داکتر عبدالله و بستگان جمعیت اسلامی با مقامات سفارت ایالات متحده امریکا این گروه با پشتوانه امریکائیان تظاهراتی را در شهر کابل سازماندهی کردند و ارگ کابل را به شکل کودتایی مورد تهدید قرار دادند تا اینکه جان گیری وزیر خارجه آن زمان ایالات متحده امریکا به شکل علنی در امور داخلی کشور ما مداخله کرده و مغایر قانون اساسی کشور، حکومت (وحدت ملی را) را با شرکت پنجاه درصدی داکتر عبدالله و دار و دسته اش بر بقایای حکومت فاسد، غیر متخصص دزدان و چپاولگران تنظیمی که از حامد کرزی به میراث مانده بود تقسیم کرده بر ملت ما تحمیل کردند.

به این ترتیب از همان نخستین روزهای بعد انتخابات در سرپای حکومت (وحدت ملی) عنصر اختلاف در راه پیشرفت و ترقی، جابجایی کادرهای متخصص و کارفهم در پُست های کلیدی، تصفیه دستگاه حکومت از عناصر

رشوه ستان فاسد، دزد و چپاولگر مشهود بوده و سنگ اندازی در برابر تصامیم، فرامین و اقدامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رئیس دولت به شکل علنی صورت می‌گرفت و تا کنون هم این سلسله جریان دارد. که یقیناً امریکائیان از آن خوشنود بودند زیرا از همان آغاز تا کنون هیچ نوع پشتیبانی رسمی و غیر رسمی از طرح‌ها، اقدامات و نتایج ثمر بخش پروژه‌ها و دستاوردهای بزرگ اقتصادی؛ تصفیه‌های مکرر دستگاه اداره دولت خاستاً بخش‌های امنیتی؛ دفاعی و قضایی کشور؛ جلوگیری قاطع از فساد اداری و بهبود سیستم کادری افغانستان که از جانب تیم کاری و متخصص دولت پیش برده می‌شود بعمل نیآورده اند.

از جانب دیگر بعد از سال ۲۰۱۴ فعالیت‌های تخریبی، تظاهرات ضد حکومتی، یاغیگری قوماندانان محلی، حملات انتحاری، حملات سازمان یافته منظم اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI زیر نام طالبان به ولایات، ولسوالی‌ها و شهرها شدت بیش از حد پیدا کرده و مقامات امریکایی نه تنها برای محار این حملات همکاری نکردند بلکه بلعکس طیارات امریکایی در جریان این حملات گسترده نظامی پاکستان محلات مسکونی و مردم بیگناه ملکی را مورد بمباران قرار داده و مردم کشور را بیشتر علیه دولت شورانیدند و در تشدید ناآرامی‌های ضد حکومتی ممد قرار گرفتند.

با وصف تأکیدات مکرر حکومت افغانستان مبنی بر مداخله نظامی پاکستان در افغانستان، تعلیم، تمویل، تجهیز، تسلیح، سازماندهی و اعزام گروپ‌های جنگی زیر نام طالبان به افغانستان و ایجاد دهشت و وحشت در افغانستان ایالات متحده امریکا و متحدینش هیچنوع عکس‌العملی در زمینه ابراز نکرده تا اینکه ترامپ رئیس‌جمهور امریکا به سلسله قطع مصارف حاتم بخشی‌های امریکا در سائر نقاط جهان کمک‌های امریکا به پاکستان را که آنکشور به عنوان مبارزه علیه تروریسم بدست می‌آورد قطع کرد. همچنان در کار حکومت که آمادگی‌های وسیعی برای انتخابات اتخاذ می‌گردید و مصمم بود تا در وقت تعیین شده انتخابات برای ریاست جمهوری را برگزار کند دار و دسته جهادی‌ها و وابستگان شان که همه نیروهای طرف اعتماد امریکا از گذشته‌های دور بوده و هستند و بعد از اجلاس بن تا کنون زیر حمایت امریکا همه هستی کشور ما را چاپیدند و عامل اصلی فساد گسترده، نا امنی، همکاری با دزدان و جانیان و شبکه‌های تروریستی و سایر عوامل بی‌ثبات کننده می‌باشند به کمک سازمان استخبارات نظامی پاکستان در وجود گروه‌های اهریمنی چون طالبان در برابر انتخابات سنگ اندازی کرده و به ذرایع گوناگون چندین بار آمادگی‌های انتخابات را به بن بست مواجه ساختند.

در همین حال و احوال که کشور از جهات مختلف مورد تهاجم دشمنان خارجی و داخلی قرار داشت و حکومت با بسیار خویشنداری و تأمل به شیوه بسیار تخصصی و مدبرانه در برابر این همه تعرضات و تهاجمات نظامی، اقتصادی و سیاسی ایستادگی کرده و سکان کشور را در راه ثبات و رفاه هدایت می‌کرد امریکائیان مسئله مذاکرات با طالبان را عنوان کرده و بدون در نظر داشت مردم و دولت افغانستان باب مذاکرات را با این نیروی اهریمنی طالبان گشودند که حدود دو دهه قبل بخاطر مبارزه با آنها به کشور ما لشکر کشی کرده بودند. امریکا با گشودن باب مذاکره با طالبان چه را می‌خواهد به جهانیان و افغان‌ها نمایش بدهد؟

از تحلیل وضع و انکشاف اوضاع در غرب آسیا بر می‌آید که احتمالاً در گفت و گوهای پشت پرده امریکائیان با مقامات دولت افغانستان در زمینه استفاده از قلمرو افغانستان منحصیبت تخته خیز علیه ایران و اهداف ستراتیژیک آنکشور علیه چین اختلافات نظر وجود داشته که جانب امریکا از آن ناحیه ناراض بوده و بر همان اساس اقدامات بی

ثبات کن جامعه و بی اعتبار ساختن دولت جمهوری افغانستان را از طریق ایجاد تبلیغات که گویا بیش از هفتاد فیصد قلمرو افغانستان تحت سلطه طالبان قرار دارد؛ رهایی زندانیان طالبان از زندان های امریکا و پاکستان؛ خارج ساختن نام طالبان از لیست سیاه تروریستان بین المللی اداره ملل متحد؛ انتقال طالبان تروریست به وسیله طیارات چارتر به قطر بدون در نظر داشت پروسیجر سرحدی و بلند بردن مورال طالبان بوسیله تبلیغات از طریق رسانه ها و راه اندازی مذاکرات مستقیم با طالبان در دوحه مرکز قطر از جمله اقداماتی بود که ایالات متحده امریکا برای ایجاد هرج و مرج بیشتر؛ بی ثباتی و بالاخره سقوط دولت افغانستان به نفع طالبان رویدست گرفته است. جابجایی داعش در ولایات شمال و شمال غربی افغانستان بیشتر از جمله اقداماتی است که برای تهدید جمهوری اسلامی ایران و در صورت لزوم مداخله نظامی در ایران مد نظر پنتاگون می باشد. همچنان همه این اقدامات در راستای تحت فشار قرار دادن دولت افغانستان برای ابراز رضایت در راستای ستراتیژی جهانگشاپانه ایالات متحده امریکا خاصاً در قبال ایران و مسائل منطقوی می باشد که این ستراتیژی ها درست مخالف منافع ملی کشور ما سیر دارد.

در این هیچ شکی وجود ندارد که ایالات متحده امریکا در وجود یک افغانستان بی ثبات و ملوک الطوائف منافع خویش را جستجو میکند زیرا همه اهداف ایالات متحده امریکا در افغانستان بر این مبنا استوار است. اگر یک نگاه اجمالی و گذرا به حوادث و وقایع چهار دهه اخیر بیاندازیم می بینیم که امریکا با وصف امضاء و تعهد بحیث ضامن اجرایی تحت توافقات ژنیو ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ اما با دسایس آشکار استخباراتی و نظامی برعکس آن عمل کرده و با بقدرت رسانیدن دست پرورده هایشان یعنی (مجاهدین) در اپریل سال ۱۹۹۲ کشور ما را به حمام خون تبدیل کرده؛ تمام زیربنا های اقتصادی؛ اجتماعی؛ سیاسی؛ دفاعی و امنیتی را نابود کردند که در نتیجه در کشور ما نظام ملوک الطوائفی زیر رهبری دزدان و آدم کشان حرفوی تحت حمایت مستقیم اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI برقرار گردید. در نتیجه توافقاتی پشت پرده که ایالات متحده امریکا با جانب اتحاد شوروی دیروز و متعاقباً جمهوری فدراتیف روسیه در باره سرنگونی حکومت داکتر نجیب الله و بقدرت رسانیدن تنظیم های هفت گانه پرورش یافته پاکستان و دزدان سر گردنه گوش بفرمان امریکا و غرب چند سالی ایالات متحده امریکا زمام امور منطقه و بالاخص کشور ما را در بست به پاکستان سپرد و خود سرگرم فعل و انفعالات اقتصادی؛ سیاسی - نظامی در شرق میانه و بحر هند که جانب روسیه در زمان بوریس یلتسن به ایشان حاتم بخشی کرده بود بودند.

با رشد سرسام آور توانایی های اقتصادی و تقویت قدرت تعرضی و دفاعی و ماشین نظامی چین و بقدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در جمهوری فدراتیف روسیه آنکشور دوباره در مسایل بین المللی فعال گردید. که به پندار ستراتیژیست های امریکایی منافع ایالات متحده امریکا در جنوب آسیا؛ شرق میانه؛ قاره افریقا و بحر هند مورد تهدید قرار گرفته است و به این ترتیب امریکا به جابجایی نیرو هایش در بحر هند و اطراف دریای چین؛ لشکر کشی به افغانستان؛ عراق و سوریه؛ سازماندهی بهار عربی در کشورهای شمال افریقا و مداخله نظامی در اکثر کشورهای جهان که رژیم هایش از فرمان ایالات متحده امریکا اطاعت نمیکردند مبادرت ورزید.

در افغانستان از قبل طالبان یا تروریستان شناخته شده را در تشریک مساعی سازمان تروریستی القاعده بقدرت رسانیده بودند و به همین بهانه (مبارزه با تروریزم) به کشور ما لشکر کشی کردند. ولی این بهانه بایبست تا ثمر دهی پروژه های ستراتیژیک امریکا فعال نگهداشته می شدند که این پروژه به همکاری پاکستان همچنان ادامه داشت و در داخل کشور ما همان نظام ملوک الطوائفی به پشتیبانی بالفعل و بالقوه نیروهای امریکایی زیر اداره حکومت پوشالی و سرا پا فاسد حامد کرزی فعالیت داشت که کشور ما را به مزرعه بزرگ خاشخاش جهان مبدل ساختند و تمام هستی کشور را بلعیدند و خارجیان بصورت عموم و امریکائیان بطور اخص بشکل پنهانی و غیر قانونی از یکطرف مصروف اعمار پایگاه های ستراتیژیک بودند و از طرف دیگر به غارت معادن و احجار زیرزمینی کشور ما پرداختند.

با رویکار آمدن تیم وطندوست و ملی اندیش دولت فعلی و موفقیت های مزید در عرصه حکومت داری؛ امور اقتصادی؛ الویت بخشیدن به منافع ملی در برخورد با همسایگان آزمند و رهایی کشور از بند اسارت ترانزیت پاکستان و به حاشیه راندن دزدان و قطاع الطریقان تنظیمی آهسته - آهسته ثبات نسبی در کشور در شرف تأمین است. اما برقراری یک حکومت با ثبات با منافع امریکا و محمل های لشکر کشی اش در افغانستان سازگاری ندارد بناءً در صدد است تا از طریق مذاکرات با یک گروه تروریست اعتبار دولت را نازل ساخته برعکس گروه تروریستی ساخت پاکستان را اتوریته و اعتبار ببخشد و همزمان دست پاکستان را برای عملیات های انتحاری و حملات تروریستی و خرابکارانه در کشور ما باز گذاشته اند و در برابر همه این حملات تروریستی که از شروع دور اول مذاکرات ۱۸ دسمبر سال ۲۰۱۸ تا کنون جان صد ها هموطن بیگناه ملکی ما را گرفته است هیچنوع عکس العمل از خود نشان نداده اند؛ گویا آب از آب تکان نخورده و برای امریکائیان جان مردم بیچاره افغانستان هیچ ارزشی ندارد. در حالیکه امروز اطفال افغانستان و دنیا هم میدانند که طالب وسیله ایست در دست پاکستان بمنظور مداخله و تخریبکاری در امور افغانستان.

اگر کسی خواهان قطع فعالیت های طالبانی باشد بایست با پاکستان مذاکره و توافق صورت گیرد و یا آنعده طالبانی که احساس وطندوستی دارند بصورت منفرد و یا کتلوی با رعایت و احترام به قانون اساسی کشور سلاح بر زمین گذاشته به فعالیت صلح آمیز به کشور خویش برگردند و از سیطره بیگانه خود را وارهانند. و یا اینکه پاکستان از جانب امریکا و جامعه بین المللی بوسیله تحریم ها و سایر شیوه های اقتصادی تحت فشار مضاعف قرار داده شود تا از حمایت؛ تسلیح؛ تجهیز و تربیه تروریستان دست بردارد.

سرخنگوی اداره ریاست جمهوری خیر دعوت عمران خان صدراعظم پاکستان از دکتور اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان برای یک بازدید دوستانه از اسلام آباد را اعلام کرد. اگر ایالات متحده امریکا و شرکای بین المللی اش برای قطع مداخلات پاکستان؛ جلوگیری از صدور تروریزم به افغانستان و تأمین صلح صادق هستند این بهترین زمان است تا نظامیان پاکستانی خاصاً اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI عمران خان صدراعظم را صلاحیت بدهند تا با رئیس جمهور افغانستان در باره تروریزم؛ طالبان و سائر مسائل همسایگی نیک با در نظر داشت منافع ملی هر دو کشور همسایه بصورت کامل الاختیار مذاکره کرده و توافقاتی در زمینه انجام گیرد. همه کشورهای دیگر چون عربستان سعودی و سایرین که در پروژه های القاعده و طالبان و داعش سرمایه گذاری کرده اند از طریق اداره استخبارات نظامی پاکستان صورت گرفته است. بناءً اگر امریکا و متحدینش بخواهند و در این راه صادق باشند این است راه حل جلوگیری از طالب و تروریزم.

اخبار روزهای اخیر حاکی از آنست که ایالات متحده امریکا در اطراف ایران و ساحه خلیج فارس تمام زراد خانه جنگی خویش را جابجا کرده و قرار است تا ۱۲۰ هزار نیروی پیاده را نیز از سوریه و سایر محلات برای محاصره؛ تهدید و تحت فشار قرار دادن ایران در خلیج فارس و کشورهای قطر و بحرین جابجا سازد ولی با طالبان روی خروج نیرو هایش شش دور مذاکره بی نتیجه را پیش برده اند آیا این یک نمایشنامه بسیار مضحک نیست؟



#### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف

گفتار دیگر در باره مذاکرات دوحه

[Mirzada\\_a\\_q\\_goftaar\\_digar\\_mozeaakeraat\\_doha.pdf](#)